

بررسی نقش پیامبر(ص) و سامانه اطلاعاتی ایشان در مدیریت بحرانهای دوران حکومت اسلامی

داود جعفری *

حسن علی اکبری **

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

چکیده

تحلیل سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بویژه سیره مدیریتی ایشان می‌تواند ما را به اصولی رهنمون سازد که بتوان از آن به عنوان راهکاری عملی در سیاست، مدیریت و حکومتداری استفاده کرد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که: "نقش پیامبر(ص) و سامانه اطلاعاتی ایشان در شناسایی و خنثی کردن بحرانها یا به عبارت دیگر مدیریت بحران چه بوده است؟ روش تحقیق از نوع کیفی و تاریخی - تحلیلی، و جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شده است. بر اساس الگوی تصمیم‌گیری تشخیص محور، اصل و اساس موضوع به شخصیت تصمیم‌گیرنده بر می‌گردد که در قسمت اول پژوهش بخشی از زوایای شخصیتی پیامبر (ص) در دو بخش ویژگیهای اخلاقی - رفتاری و مدیریتی تبیین شده است. با توجه به تعریف مدیریت بحران با رویکرد تصمیم‌گیری یکی از ویژگیهای اصلی بحران غافلگیری و یا کمبود اطلاعات است. در قسمت بعدی مقاله به بررسی سامانه اطلاعاتی پرداخته شده است. برخی از اقدامات اطلاعاتی پیامبر (ص) در مقابله با بحرانها عبارت است از: دوراندیشی، پنهانکاری [اصول حفاظتی]، خروج از محیط بحران، عملیات اطلاعاتی [حذف عامل بحران زا]، ضد جاسوسی.

کلیدواژه‌ها: نقش پیامبر(ص)، سامانه اطلاعاتی، مدیریت بحران و حکومت اسلامی.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت

** استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

از نظر اسلام، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) الگوی پیروی عملی است؛ نمونه‌ای که روشهای عملی او در همه شئون فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روابط بین‌الملل قابل دستیابی و پیروی برای مسلمانان است. از آنجا که اسلام آخرین دین الهی است لازم است، امت مسلمان نمونه‌ای تمام عیار و قابل پیروی برای همه زمانها در تمام دورانها باشد.

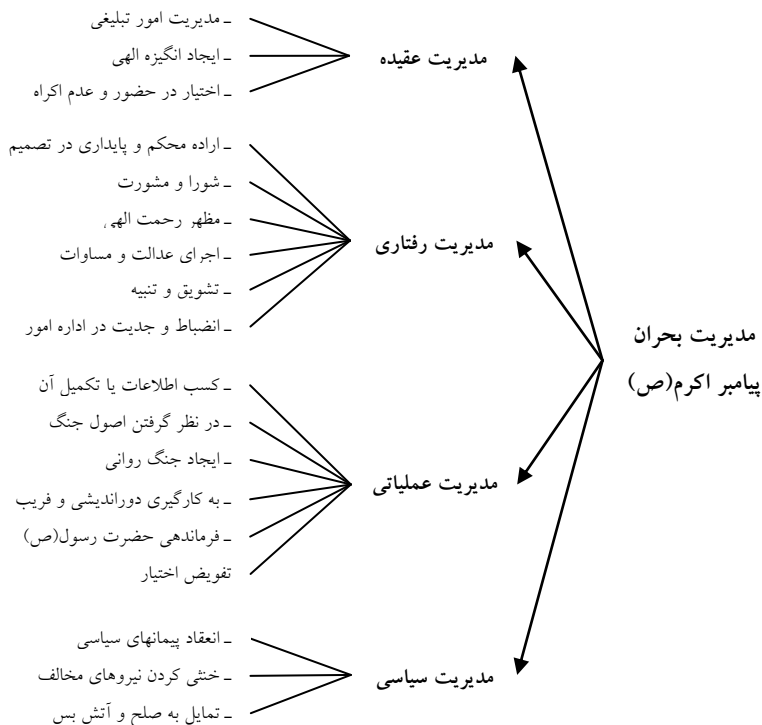
قرآن‌کریم، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را «اسوه حسنه» معرفی می‌کند: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (آل عمران/ ۱۵۹). تمامیت کمال آن حضرت موجب شده است تا خداوند ایشان را برخلاف انسانها و پیامبران دیگر، خود به عنوان اسوه حسنه و کامل معرفی کند و از مردم بخواهد بی هیچ استثنایی از همه سبک زندگی ایشان در افکار و رفتار تقلید کنند و حضرت را الگو و سرمشق مطلق خود قرار دهند (احزاب/ ۲۱).

برخی از بیمار دلان آموزه‌های اسلامی را غیر اجتماعی می‌دانند و مسائل حکومت و اجتماع و نظام سیاسی را بیرون از دایره آموزه‌های قرآنی ارزیابی می‌کنند این در حالی است که در آیات ۲ و ۱۲ سوره احزاب که به الگو بودن پیامبر(ص) تأکید می‌کند، محور آن، مسائل سیاسی، نظامی و اجتماعی است.

قرآن‌کریم در سوره‌های بروج، فیل و روم، وضعیت سیاسی و بین‌المللی زمان بعثت پیامبر(ص) را توصیف می‌کند که فساد حاکم اقدامات سازمان یافته امپراتوریهای روم و فارس آن زمان، نزدیک بود تمام جهان را در تباهی و نابودی غرق کند. در این بین دولت نوپای پیامبر اکرم(ص) در مدینه تأسیس شد و دین اسلام بر ویرانه‌های این قدرتها برخاست و با فتح مکه رسالتش جهانی گردید (علیخانی، ۱۳۸۶: ۳۰).

یکی از مصداقهای بحران در زمان پیامبر اکرم(ص) جهاد بود. پس از اینکه پیامبر(ص) در مدینه استقرار یافت به گسترش دعوت خویش و حمایت از مؤمنان مستضعفی پرداخت که در راه عقیده خود مورد آزار قرار گرفته بودند. برای تحقق این امر، چاره‌ای جز جنگ علیه مشرکان نبود و باید کعبه از بت‌پرستی و بت‌پرستان نجات می‌یافت و

بتهایی که در آن قرار گرفته بودند، در هم شکسته می‌شد. البته این بحرانها در جهاد خلاصه نمی‌شود و ابعاد گوناگونی می‌یابد که در ذیل خلاصه نموداری آن ارائه می‌شود:



نمودار ۱: مدیریت بحران پیامبر اکرم(ص) و اقسام آن (باقری، ۱۳۸۷)

با تحلیل سیره نبوی می‌توان به رویکرد حاکم بر حکومتها، تصمیم‌گیریها و نیز تدابیر پیامبر(ص) پی برد و از آن در کارهای سیاسی استفاده کرد. در واقع می‌خواهیم بدانیم که رفتار پیامبر(ص) در برخورد با دشمنان در دوره‌ها و مقاطع مختلف بر اساس چه رویکردی قابل تبیین است. از آنجا که رسیدن به اصول کلی در تبیین این رفتار می‌تواند زمینه‌ساز پیروی از این اصول باشد و هر نظام سیاسی در جهان با دشمنان داخلی و خارجی روبه‌رو است، مخالفان داخلی می‌کوشند با ایجاد بحران در جامعه، حکومت را تضعیف یا ساقط کنند. در جهان برای پیشگیری یا مقابله با بحرانهای اجتماعی، تمهیداتی اندیشیده‌اند؛ اما آیا حکومت اسلامی نیز برنامه‌هایی برای جلوگیری و مقابله با آن دارد؟

از متون اسلامی و سیره معصومین علیهم السلام و تاریخ اسلام بر می‌آید که دین مبین و جامع اسلام در این موضوع به شناخت بحران و عوامل ایجادکننده آن، نهراسیدن، پناه بردن به خداوند، مشاوره، برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و ارزیابی سفارش کرده است و رهبران اسلام نیز آن را در عمل اجرا کرده‌اند.

در ادامه به این سؤال پاسخ داده می‌شود که نقش پیامبر(ص) و سامانه اطلاعاتی ایشان در شناسایی و خنثی کردن بحرانها یا به عبارت دیگر مدیریت بحران چه بوده است.

تعاریف و ادبیات پایه

تصمیم‌گیری در مدیریت بحران

الف - رویکرد طبیعی (تشخیص محور): گزاره‌های اساسی الگو را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد که تصمیم‌گیرندگان با تجربه:

۱ - معمولاً یک گزینه قابل اجرا را مد نظر می‌گیرند و به طرح مجموعه بزرگی از بدیلهای نیازی ندارند.

۲ - به جای مقایسه فواید و زیانهای همه گزینه‌ها را به یک بار خلق و ارزیابی می‌کنند.

۳ - با تصور کردن نتیجه گزینه در ذهن خود و یافتن راه‌های پرهیز از مشکلاتی که ممکن است در نتیجه اجرا پیش آید، آن را ارزیابی می‌کند.

۴ - بر ارزیابی وضعیت و جستجو برای یافتن نشانه‌های آشنا در آن متمرکز می‌شوند.

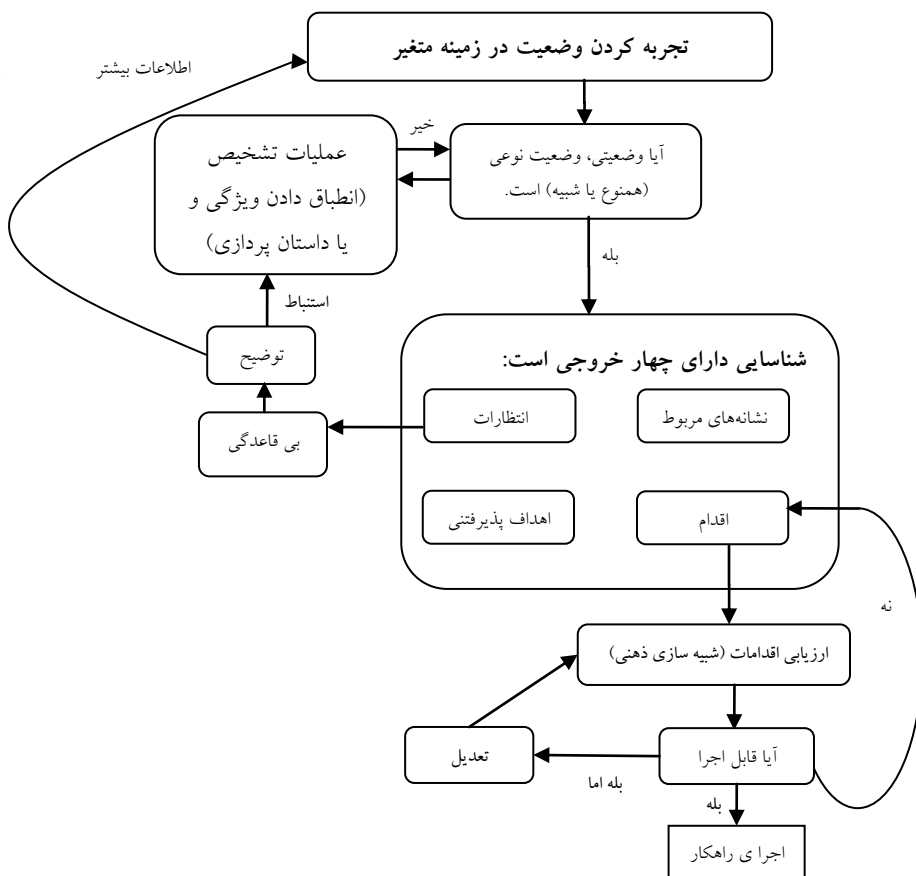
۵ - بر اقدام سریع، و نه تجزیه و تحلیل‌های تفصیلی تأکید می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۴).

الگوی تشخیص محور دو فرایند شناختی را در تجزیه تحلیل وارد می‌کند:

الف - ارزیابی وضعیت که از آن برای خلق راهکارها استفاده می‌شود.

ب - شبیه‌سازی ذهنی که از آن برای ارزیابی راهکارها استفاده می‌شود. شبیه‌سازی ذهنی، توانایی تصور کردن آگاهانه انسانها و اشیا و تغییر دادن آنها از میان چند گذرگاه و سرانجام تصویر کردن آنها به گونه‌ای است که کاملاً با تصویر ابتدایی متفاوت باشد. در

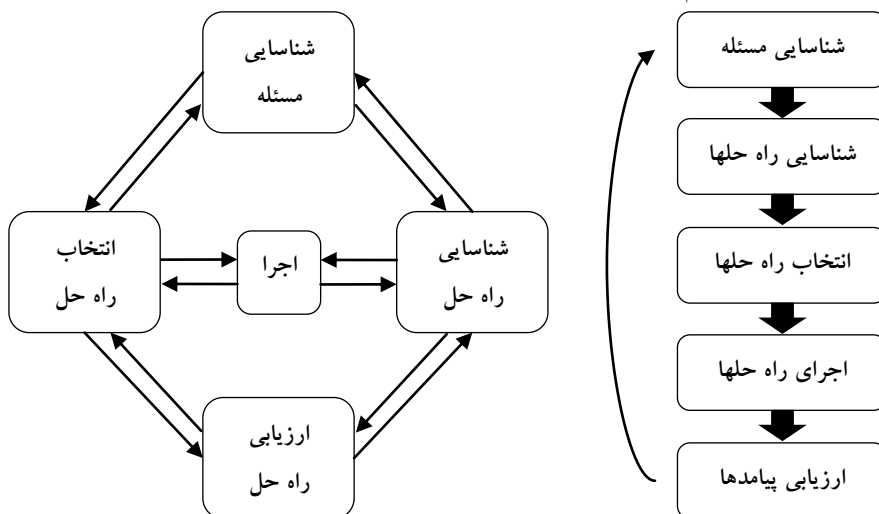
اینجا از مفهوم قدرت بصیرت استفاده شده است که به کارگیری تجربه در تشخیص الگوهای کلیدی‌ای است که بیانگر پویایی هر وضعیت است و قدرت دیدن نادیدنیها که با توسعه تجربه تصمیم‌گیرنده در هر حوزه خاص ارتباط نزدیکی دارد (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۵).



نمودار ۲: الگوی نهایی تصمیم‌گیری تشخیص محور (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۳)

ب - آمیختگی خط مشی‌گذاری، اجرا و ارزیابی در هنگامه بحرانها: مدیریت بحران از نظر زمان بشدت در تنگناست. مدیر بحران فرصتی برای طی مراحل تصمیم‌گیری ندارد؛ از این

رو در فراگرد تصمیم‌گیری و خط مشی‌گذاری، مراحل شناسایی مسئله، انتخاب راه حل، اجرا و ارزیابی در هم تنیده می‌شود.



(الف) فراگرد مدیریت و خط مشی‌گذاری در موقعیت عادی (ب) فراگرد پیچیده مدیریت و خطی مشی‌گذاری در موقعیت بحرانی

نمودار ۳: مقایسه فراگرد مدیریت و خط مشی‌گذاری در حالت عادی و بحران

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در حالت بحرانی، اجرا محوریت دارد؛ یعنی دیگر مراحل، حول محور اجرا و وابسته به امکانات اجرایی طی می‌شود (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

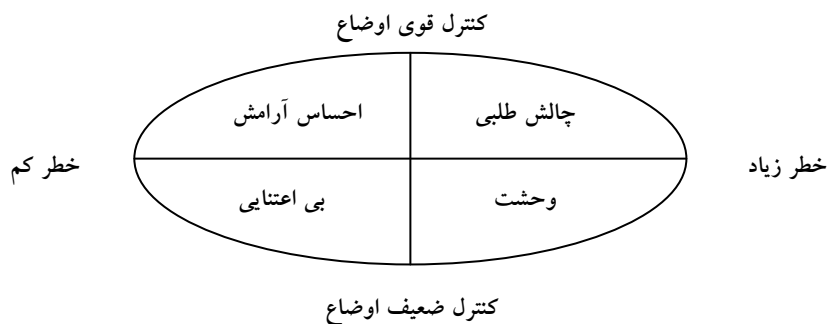
ج - رویکرد تصمیم‌گیری در تعریف بحران: رویکرد تصمیم‌گیری برگرفته از برداشت انسانی است و حال اینکه رویکرد سیستمی برگرفته از عینیت است؛ به بیان دیگر در رویکرد جدید، این نگاه ذهنی تصمیم‌گیرنده نسبت به عامل است که مبنای تجزیه و تحلیل است و نه واقعیات عینی و بنابراین، بحران تنها وقتی هست که عنصر تصمیم‌گیرنده این چنین درک می‌کند.

عموما سه ویژگی را شرط اصلی تعریف بحران ذکر کرده‌اند: تهدید، غافلگیری و فشار زمانی؛ به بیان دیگر برای اینکه فرد یا گروه درگیر صحنه، اوضاع را بحرانی بدانند، باید اولاً احساس کند که هدفهای دارای اولویت زیاد واحد تصمیم‌گیری تهدید می‌شود. ثانیاً در

برخورد با تهدید، غافلگیر شود و ثالثا احساس کند که زمان موجود برای پاسخگویی به تهدید، محدود است.

تهدید را هرگونه خطر یا آسیب بالقوه نسبت به ارزشهای اساسی تعریف کرده‌اند. البته درک تهدید، محصول عوامل مختلفی است. غیر از ارزش تهدید و شدت تهدید به عواملی همچون شخصیت تصمیم‌گیرنده، ساز و کارهای کسب و تجزیه و تحلیل اطلاعات، تأثیر عوامل محیطی، سابقه تهدیدات، احتمال اوج‌گیری تهدید از نظر تصمیم‌گیرنده، پیش‌بینی کنترل و فرایند شناختی کسب درک اشاره کرد (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۲).

یکی از نظریه‌پردازها واکنش رهبران در برابر تهدید را محصول موازنه بین قدرت تهدید و توان پاسخ دانسته و بسته به نوع موازنه چهار گونه واکنش را ترسیم کرده است (تصویر شماره ۱).



تصویر ۱: موازنه قدرت تهدید و توان پاسخ

غافلگیری، شکاف بین زمانی است که بازیگر بحران‌زده انتظار دارد حادثه‌ای رخ دهد و زمانی که آن حادثه واقعا رخ خواهد داد یا به بیان دیگر وقوع تهدید، هنگامی که انتظارش را نداریم.

موضوعات مورد غافلگیری را می‌توان در قالب یک پرسش در کنار هم گرد آورد: کدام بازیگر (یا چه عنصری)، همراه با کدام متحد (یا عناصر هم‌افزایی) کی، کجا، تا چه مدت، کدامین ارزش، ما را با چه شیوه و ابزاری با چه شدت و ابعادی تهدید می‌کند؟ غافلگیری ممکن است نتیجه ناآگاهی و عدم پیش‌بینی نسبت به هر یک از ابعاد نه گانه

باشد. به همین دلیل برخی از پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که به جای غافلگیری از ابهام و کمبود آگاهی استفاده شود.

فشار زمانی همچون ویژگی‌های قبلی، امری ذهنی و ادراکی و در درجه اول، حاصل تجزیه و تحلیل و تعاطی بین دو عامل در ذهن تصمیم‌گیرنده است: اول زمان لازم برای واکنش و دوم زمان موجود برای تصمیم‌گیری. «هرچه فاصله بین دو زمان بیشتر باشد، احتمالاً فشار و محدودیت زمانی مورد ادراک تصمیم‌گیرنده نیز بیشتر است». عوامل دیگری که از نظر تصمیم‌گیرنده، فاصله بین دو زمان را افزایش می‌دهد، عبارت است از:

الف - شدت تهدید

ب - ارزش آماج مورد تهدید

ج - درک از توان خودی و امکان کنترل

د - ابهام و عدم قطعیت نسبت به میزان طول کشیدن بحران، پیامد اقدامات و غیره

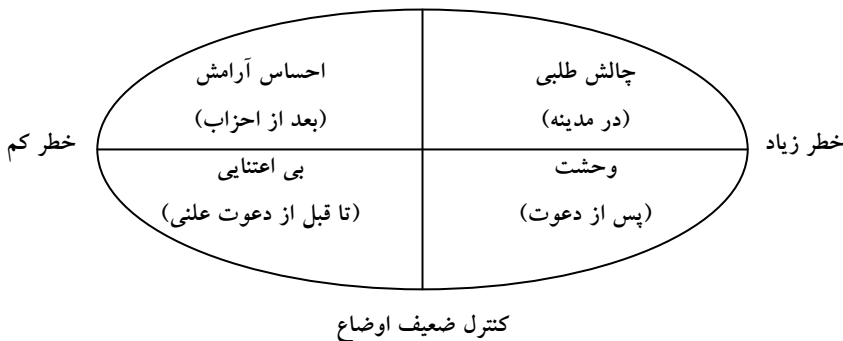
ه - شخصیت تصمیم‌گیرنده

از نظر رابرتز، رابطه دو سویه‌ای بین زمان و تنش وجود دارد. افزایش فشار روانی به افزایش اهمیت زمان منجر می‌شود و قضاوت درباره آن را تحریف خواهد کرد.

همان‌طور که در تعریف "مدیریت بحران با رویکرد تصمیم‌گیری" بیان شد، اصل نگاه ذهنی تصمیم‌گیرنده نسبت به عامل است که مبنای تجزیه و تحلیل است؛ یعنی بحران تنها وقتی هست که عنصر تصمیم‌گیرنده این چنین درک می‌کند. سه ویژگی را شرط اصلی تعریف مدیریت بحران ذکر کرده‌اند که عبارت است از: ۱ - تهدید ۲ - غافلگیری ۳ - فشار زمانی؛ که درک تهدید محصول عوامل مختلفی غیر از ارزش و شدت تهدید است و به عواملی همچون شخصیت تصمیم‌گیرنده، ساز و کارهای کسب و تجزیه و تحلیل اطلاعات، تأثیر عوامل محیطی، سابقه تهدیدات، احتمال اوج‌گیری تهدید از نظر تصمیم‌گیرنده، پیش‌بینی کنترل و فرایند شناختی کسب درک می‌توان اشاره کرد و همه این عوامل به "شخصیت مدیر بحران" بستگی دارد.

تحلیل وضعیت دوران نبوت بر اساس الگوی واکنش رهبران در برابر تهدید تهدیدات از سوی قریش تا قبل از دعوت علنی پیامبر(ص) در حالت بی‌اعتنایی بود؛ یعنی خطر کم و کنترل اوضاع ضعیف و پس از علنی شدن دعوت، وضعیت مسلمانان تا قبل از تشکیل حکومت در مدینه در حالت وحشت یعنی خطر زیاد و کنترل اوضاع ضعیف بود تا اینکه پیامبر(ص) به مدینه هجرت فرمودند و شروع به تقویت پایه‌های حکومت کردند و وضعیت به حالت چالش‌طلبی یعنی تهدیدات همچنان زیاد اما کنترل اوضاع نیز قوی بود. این حالت تا قبل از غزوه احزاب وجود داشت و پس از آن وضعیت به نفع مسلمانان تغییر کرد و وضعیت در حالت آرامش قرار گرفت؛ یعنی کنترل اوضاع قوی و خطر کم شد و این حالت تا پایان عمر پر برکت پیامبر(ص) ادامه داشت.

کنترل قوی اوضاع



تصویر ۲: تحلیل وضعیت دوران نبوت بر اساس الگوی واکنش رهبران در برابر تهدید

در زمینه غافلگیری باید گفت کمبود اطلاعات، اصل و اساس کار است. وجود سامانه اطلاعاتی قوی و منسجم می‌تواند اثر این عامل را تا حد زیادی کاهش دهد. درباره فشار زمانی همچون ویژگی‌های قبلی عامل ذهنی و ادراکی مدیر بحران است که دیگر اوضاع شدت تهدید، ارزش آماج مورد تهدید، درک از توان خودی و امکان کنترل، ابهام و عدم قطعیت نسبت به میزان طول کشیدن بحران، شخصیت تصمیم‌گیرنده بستگی دارد.

ویژگی‌های شخصیتی حضرت محمد صلوات علیه و آله (به عنوان مدیر بحران)

آنچه در ذیل آمده بخشی از زوایای آشکار شخصیتی پیامبر(ص) است:

۱- ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری

رحمت و مهربانی: پیامبر خدا(ص) نسبت به امت خود بسیار مهربان بود و متقابلاً مردم نیز او را دوست داشتند. خداوند فرستادن پیامبر اسلام را همراه با رحمت برای جهانیان دانسته است (انبیاء/ ۱۰۷).

در آیه‌ای دیگر ایشان را این گونه ستوده است: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ. هرآینه برای شما پیامبری از خودتان آمد. بر او دشوار است که شما در رنج افتید؛ به هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است» (توبه/ ۱۲۸).

اصل رأفت و رحمت: نقل شده است که مردی یهودی چند دینار از پیامبر(ص) طلب داشت. طلب خویش را تقاضا کرد. حضرت فرمود ای یهودی! چیزی ندارم که به تو بدهم. یهودی گفت ای محمد تا نپردازی از تو جدا نمی‌شوم. فرمود پس من نزد تو خواهم نشست. حضرت در کنار او بود و نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا و صبح را در کنار او خواند. یاران رسول خدا (ص) آن مرد را تهدید می‌کردند و می‌ترسانیدند. پیامبر(ص) به آنها نگاهی انداخت و فرمود با او چه کار دارید؟ گفتند ای پیامبر خدا، یک یهودی شما را زندانی کند؟! فرمود خدای عزوجل مرا مبعوث نکرده است تا به اهل کتاب که با ما عهد و پیمان دارند و یا غیر آنان ظلم کنم. چون روز بالا آمد، مرد یهودی شهادتین را بر زبان جاری ساخت و نیمی از مالش را در راه خدا انفاق کرد (مجلسی، ۱۳۷۶: ۱۶).

سعه صدر: مراد از سعه صدر، ظرفیت وسیع و تحمل و حوصله فراوان است. بردباری در برابر مشکلات، آزار و شکنجه‌ها، بدگویی و تمسخرهایی که کفار قریش نسبت به پیامبر و پیروانش روا می‌داشتند، طاقت فرسا بود که پیامبر همه را با سعه صدر تحمل می‌کردند. تحمل و مدارا بویژه با انسانهای کم‌ظرفیت، متعصب، نادان و خشن، قلبی گشاده

می‌خواهد و این موهبتی خدادادی بود که پیامبر دارای آن بود؛ هم‌چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: الم نشرح لک صدرک: آیا برای تو قلبی گشاده قرار ندادیم (انشراح / ۱).

ساده‌زیستی: یکی از ویژگیهای زندگی شخصی پیامبر اکرم ساده‌زیستی ایشان بوده است. پیامبر زهد و زیستن همانند توده‌های مردم را روش زندگی خویش قرار داده بودند. در تاریخ مشاهده می‌شود که مسیحیان نجران که با لباسهای فاخر و آراسته به زیورآلات خواستند به حضور حضرت مشرف شوند با کنار گذاشتن زیورآلات خود اجازه یافتند که به حضور ایشان برسند (سبحانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۳۳).

استقامت: بردباری و استقامت پیامبر هم نظیر نداشت. سیزده سال در مکه حضرت را آزار و اذیت کردند. سه سال محاصره اقتصادی و اجتماعی را حضرت در کنار مسلمانان فقیر و با هزینه ثروت شخصی همسرشان خدیجه با بردباری به پایان بردند. پیامبر همه این منظره‌ها را مشاهده می‌کرد و باز بر هدایت آن قوم گمراه اصرار می‌ورزید. در مدینه نیز در نبردهایی که قریشیان و یهود برای او پیش آوردند، صبورانه مقاومت کرد، قوم لجوج یهود را سالیانی تحمل کرد و رفق و مدارا را نسبت به دشمنان داخلی خود، یعنی منافقان به ظاهر مسلمان روش خویش قرار داده بود؛ در لحظات سخت جنگ، که بسیاری از مسلمانان پا به فرار می‌گذاشتند، پشتوانه‌ای محکم برای باقیمانده یاران بود و آنان نیز به پیامبر پناه می‌آوردند و در یک جمله پیامبر الگوی مسلمانان در استقامت و بردباری به شمار می‌رفت.

عدالت اجتماعی: از دیدگاه پیامبر انسانها در آفرینش یکسانند و تفاوت در نژاد، زبان، ملیت، رنگ و... ملاک امتیاز افراد به شمار نمی‌رود. همه از یک پدر و مادر خلق شده‌اند و به فرموده ایشان: «مردم همانند دانه‌های شانه (برابر) اند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵).

جنگ اعتقادی: در اسلام هیچ جنگی به دلیل اغراض شخصی بر پا نشده است؛ زیرا اسلام به مصالح همگان و مقدم داشتن آن بر منافع شخصی دعوت می‌کند.

جنگهای اسلامی به دلیل آزمندیهای شخصی یا سلطه‌جویی و بلند پروازی کسی آغاز نشده است. قریش، عُبَیْة بن ربیعہ را، که مردی متین و آرام بود، نزد رسول خدا(ص) فرستادند و او گفت «ای پسر برادر! می‌دانی که منزلت و نسب تو از ماست. تو برای مردم

خود مشکلی بزرگ آفریده‌ای و جمع آنان را پراکنده ساخته‌ای. بیا چند پیشنهاد را بشنو؛ شاید برخی از آنها را بپذیری. اگر قصد تو از این کار مال است، ما آن قدر مال به تو می‌دهیم که از همه توانگرتر شوی. اگر سروری می‌خواهی، بیا و رئیس ما باش و ما هیچ تصمیمی بدون اجازه تو نخواهیم گرفت و اگر خواستار پادشاهی ما هستی تو را پادشاه خود می‌گردانیم؛» اما رسول خدا(ص) به هیچ یک از این وعده‌ها اعتنا نکرد (خطاب، ۳۹۷). رعایت حقوق مردم: از دیدگاه اسلام هم چنانکه حاکمان بر مردم حقی دارند، مردم نیز بر آنان حقی دارند و این رابطه به طور متقابل برقرار است. مردم حق دارند که از امنیت استفاده کنند و حاکمان نیز حق خواهند داشت که از نیروی آحاد مردم در ایجاد امنیت و رفاه همگانی بهره ببرند. حکومت موظف است که از حقوق مشروع شهروندان دفاع کند؛ هم چنانکه پیامبر از حقوق مردم دفاع می‌کردند. روایت شده است که فردی از سمره بن جندب نزد پیامبر شکایت برد که وی بدون اجازه وارد خانه من می‌شود تا به درختی که در آنجا دارد، سرکشی کند. سمره با درخواست پیامبر نیز حاضر نشد که با اجازه وارد خانه شود و حتی حاضر نشد درخت خود را با هیچ چیز دیگری تعویض کند. پیامبر برای دفاع از حقوق یک شهروند دستور دادند که درخت او را از ریشه قطع کنند. این دقتها پیامبر را محبوب دلها کرده و اطاعت محض از ایشان را به ارمغان آورده بود که نتیجه همه اینها امنیت و آرامش در مدینه بود.

حضور پیامبر در امور عمومی: پیامبر اکرم با اینکه پیامبر خدا و حاکم مدینه بود، سعی می‌کرد که در کارهای عمومی شخصاً به منزله یک شهروند، حضوری فعال داشته باشد؛ برای نمونه در جریان ساخت مسجد، ایشان نیز همانند دیگر مسلمانان بسان کارگری ساده سنگ می‌بردند و کار می‌کردند و یا در حفر خندق شخصاً کار می‌کردند.

وفای به پیمانها: یکی از مهمترین ویژگیهای همه پیامبران وفای به عهد بوده است. دشمن به این ویژگی پیامبر نیز پی برده بود و به آسانی با او پیمان می‌بست و اطمینان داشت که از جانب ایشان نقض نمی‌شود. بر همین اساس بود که دشمن اصلی مسلمانان، یعنی کفار قریش در سال ششم هجرت، یعنی چند سال قبل از فتح مکه حاضر به انعقاد پیمان صلح با آن حضرت شدند و تا آنان به نقض آن پیمان دست نزدند، پیامبر با وجود قدرت هیچ

گونه تعرضی به آنان روا نداشت. وفای به عهد در پیمان‌هایی که پیامبر با یهود و مشرکان مدینه برای دفاع و حفظ امنیت شهر بستند یا در پیمان‌هایی که بر اساس آنها امنیت غیر مسلمانان اطراف مدینه تأمین می‌شد، هیچ گونه نقض و مخالفتی از سوی پیامبر و مسلمانان دیده نشد و این موضوع نیز در حفظ امنیت مدینه تأثیر بسزایی داشت.

اراده محکم و پایداری در تصمیم: پیامبر اسلام با داشتن اراده قوی و پایداری در تصمیم - که هرگز متزلزل نمی‌شد - از همگان ممتاز بودند و چون تصمیمی را می‌گرفتند می‌بایست آن را به انجام رسانند؛ به عنوان نمونه در جنگ «احد»، هنگامی که رأی اکثریت بر جنگیدن در بیرون از شهر قرار گرفت، پیامبر(ص) هیچ تردیدی به خود راه نداد؛ زره را بر تن کرد و سپر خویش را برداشت تا آماده نبرد شود و اضطراب را از دل اصحاب بیرون کند (باقری، ۱۳۸۷: ۳).

مظهر رحمت الهی: رسول خدا(ص) در اداره کارها، بیش از هر چیز از رحمت و محبت بهره می‌گرفت و اگر چنین نبود از آن شیوه اداره، مطلوب حاصل نمی‌شد. «قرآن» در این باره چنین فرموده است: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الأمر»: «به موجب لطف و رحمت الهی برایشان نرم دل شدی که اگر تندخوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌گشتند؛ پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن».

دلیری در مقابل بیم: بدون تردید، احساس بیم پدیده‌ای عمومی و فراگیر است و حتی بزرگترین قهرمانان و دلاوران قوم از اعتراف به آن نمی‌هراسند؛ لذا مهم این است که پیامبر اسلام توانست، بیم را مغلوب، و آن را از وجود یاران خویش ریشه‌کن کند و چنان عقیده‌ای برایشان بسازد که ابهتی در آنچه با آنها روبه‌رو می‌شود، احساس نکنند.

قرآن در ستایش مؤمنان می‌گوید: مؤمنان [حقیقی] کسانی هستند که وقتی به آنان خبر می‌رسد که دشمنان دین برای جنگ با آنان آماده شده‌اند به جای اینکه بترسند و از ایمان خود دست بردارند بر ایمانشان افزوده می‌شود (خطیبی، سایت حوزه).

اصل توجه به کرامت انسانی: در روایتی از پیامبر اکرم(ص) منقول است که آن حضرت فرمودند: من اذی ذمياً فانا خصمه و من كنت خصمه خصمته یوم القیامة: هر کس اهل ذمه

(یهودی، مسیحی و زرتشتی که در پناه اسلام است) را آزار رساند، دشمن او خواهم بود و هر کس من دشمن او باشم، روز قیامت دشمنی خود را نسبت به او آشکار خواهم کرد؛ از این رو، خداوند متعال همه انسانها اعم از کافر و مسلمان را گرامی معرفی کرده است؛ چراکه همه انسانها در انسان بودن مساوی هستند و هیچ یک بر دیگری جز تقوی فضیلت و شرافت ندارد (طباره، ۱۹۹۹).

اصل آزادی و نفی اجبار در پذیرش دین: آزادی یکی از آرمانهای بشری به شمار می‌آید و هر جامعه‌ای خواستار آن است؛ یکی از اصولی است که در ارتباط با آیین همزیستی با اهل کتاب مطرح می‌شود. اصل منع توسل به زور در دین است که این اصل از آیات متعددی قابل برداشت است؛ «لا اکراه فی الدین قذتین الرشد من الغی (بقره/۲۵۶).

دقت در سیره پیامبر(ص) این حقیقت را نمایان می‌سازد که آن حضرت از بیماران اهل کتاب عیادت می‌کرد؛ در تشییع جنازه مردگان نشان شرکت می‌جست؛ با آنان ابراز همدردی، و در مجالس سوگ آنان شرکت می‌کرد.

نقل شده است که حضرت(ص) در مرگ عبدالله بن ابی، دوست یهودیان مدینه و از دشمنان سر سخت پیامبر(ص) در مراسم عزایی که از سوی یهودیان مدینه برگزار شده بود، شرکت کرد و به یهودیان و فرزندان او تسلیت گفت. از جابر بن عبدالله انصاری نیز نقل شده است، جنازه‌ای از کنار ما می‌گذشت. پیامبر(ص) برخاست ما نیز برخاستیم و عرض کردیم که یا رسول‌الله! این جنازه یک نفر یهودی است، فرمود آیا جنازه یک انسان نیست و فرمود هرگاه جنازه‌ای دیدید برای ادای احترام برخیزید (زنجانی، ۱۳۷۰: ۲۲۴).

شجاعت: شجاعت رسول خدا(ص) را کسی مثل حضرت علی(ع) تأیید می‌کند که خود سلحشورترین و شجاعترین رزمنده اسلام است. آن حضرت در سخنی فرموده است: «كُنَّا إِذَا أَحْمَرَّ الْأَبْسُ اتَّقَيْنَا بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَمْ يَكُنْ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيَّ الْعَدُوِّ مِنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۱۱۶): هنگامی که نبرد سخت می‌شد به رسول خدا(ص) پناه می‌بردیم و هیچ کس از او به دشمن نزدیکتر نبود.

بنیه نیرومند: پیامبر خدا(ص) بسیار قوی و تندرست بود. با اینکه شبها پیوسته در حال عبادت بود و اندکی می‌خوابید، روزها با نشاط کامل فعالیت می‌کرد؛ راه‌های طولانی را

همانند افراد زیر فرمانش می‌پیمود؛ با اینکه وظیفه حساس و خطیر فرماندهی را به عهده داشت در کارهای دشوار شرکت می‌کرد؛ گاهی در جنگها زخمهای عمیق برمی‌داشت؛ با وجود این سپاه اسلام را هدایت می‌کرد بی‌اینکه سستی و رخوتی در او دیده شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

شخصیت و نفوذ: رسول خدا(ص) شخصیتی برجسته داشت. یارانش احترام فوق‌العاده‌ای برای او قائل بودند و از معنویت آن حضرت تأثیر می‌گرفتند. کافران قریش در واقعه حدیبیه عروه بن مسعود را فرستادند تا با آن حضرت گفتگو کند. او که فرد دنیا دیده‌ای بود از شخصیت و نفوذ معنوی پیامبر خدا(ص) به شگفت آمد؛ از این رو وقتی پیش قریش آمد چنین گفت من نزد قیصر و کسری، امپراتوران روم و ایران و هم‌چنین پادشاه حبشه رفته‌ام؛ اما هیچ پادشاهی را ندیده‌ام که به اندازه محمد در پیروانش نفوذ داشته باشد. آب وضویش را نمی‌گذارند بر زمین بریزد و برای تبرک هر قطره آن را می‌برند. اگر تار مویی از سر و صورت او بیفتد، فوراً آن را از زمین برداشته حفظ می‌کنند و اینان هرگز او را با چیزی عوض نخواهند کرد (ابن‌هشام، ج ۲: ۳۱۵).

آرامش: پیامبر گرامی اسلام(ص) آرامش بی‌مانندی داشت و در سخت‌ترین حالت جنگ بر اعصابش مسلط بود. هرگز کسی ایشان را سراسیمه و آشفته ندید یا فرمانی را از روی بی‌حوصلگی صادر نکرد. وقتی در جنگ خندق خیانت یهود آشکار شد، حضرت با کمال آرامش و خونسردی رفتار کرد. ابتدا کار احزاب را یکسره ساخت و بعد به سراغ بنی‌قریظه در مدینه رفت. در جنگ احد در حالی که چندین زخم کاری به تن داشت و صورتش خون آلود بود، ابوسفیان پیشنهاد کرد که وعده‌گاه سال آینده جنگ، محل بدر باشد. پیامبر(ص) با نهایت آرامش آمادگی خود را اعلام کرد و زمانی که دشمن شعارهای شرک‌آمیز می‌داد، حضرت دستور فرمود با شعارهای توحیدی به آنها پاسخ دهند تا به آنان بفهماند که این ناکامی اندک، تزلزلی در اراده حضرت ایجاد نکرده است (جمعی از نویسندگان: ۱۲۷).

محبت متقابل: رسول خدا(ص) نسبت به رزمندگان اسلام محبت و مهربانی روا می‌داشت و در رفع گرفتاریهای معنوی و مادی آنان می‌کوشید. رزمندگان اسلام پس از جنگ موته

فراری تلقی شده، مورد نکوهش مردم قرار گرفتند و پیامبر خدا(ص) آنها را از این تهمت بری دانست و از یکایک آنان دلجویی کرد. در جنگ خندق برای اینکه از فشار جنگ بر مسلمانان بکاهد با یکی از قبیله‌های مهاجم وارد گفتگو شد؛ هر چند مسلمانان خود به این کار رضایت ندادند.

مجاهدان اسلام نیز در مقابل، رسول خدا(ص) را دوست می‌داشتند و هنگام خطر، جان خود را سپر ایشان می‌ساختند. در جنگ احد سپاهیان دشمن حلقه محاصره را خیلی تنگ کردند و از هر سوی به جانب حضرت تیر می‌افکندند. در این میان تعدادی از مسلمانان، حضرت علی علیه‌السلام و طلحه بن عبیدالله به دفاع از آن حضرت برخاسته تا دفع خطر از ایشان جانانه جنگیدند. در پایان همین جنگ، یکی از زنان مسلمان که چند تن از عزیزانش به شهادت رسیده بودند، وقتی خبر سلامتی پیامبر خدا(ص) را شنید، بسیار شادمان شد (منتظرالقائم، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

رضایتمندی: شیوه پیامبر در مدیریت جامعه اسلامی هیچ گاه دیکتاتور مآبانه نبود؛ به علاوه پیامبر سعی می‌کرد رفتارش نارضایتی ایجاد نکند. حتی در ورود به مدینه برای جلوگیری از هر نوع نارضایتی و کدورت، محل فرود آمدن از شتر و مسکن گزیدن خود را با انداختن افسار بر گردن شتر به خواست و اراده خدا واگذار کردند؛ در اولین جنگ با کفار قریش از آنجا که با هدف نبرد به بدر نرفته بودند، رضایت اصحاب به جنگ را مدنظر قرار دادند و به آن تن دادند. در روزهای آخر عمر شریفشان نیز از رضایت همگان نسبت به خود سؤال کردند و از مردم خواستند که چنانچه احیاناً نسبت به آنان مرتکب رفتاری ناخواسته شده‌اند با قصاص ایشان، اظهار رضایت کنند (سبحانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵۰۲).

مساوات با رزمندگان: پیامبر بزرگوار اسلام در زندگی عادی و در زندگی جنگی، امتیاز ویژه‌ای برای خویش قائل نبود؛ جز آنچه رهبری و فرماندهی اقتضا می‌کرد.

گرسنگی در جنگ خندق به مسلمانان بسیار فشار می‌آورد. هیچ وقت دیده نشد که رسول خدا(ص) غذای بهتری بخورد یا از غذاهای موجود سهم بیشتری به خود اختصاص دهد؛ چه بسا که یارانش را ترجیح می‌داد و غذا و لباس خوب را به آنان ایثار می‌کرد. روشن است که این رفتار در روحیه رزمندگان اسلام بسیار مؤثر می‌افتاد و آنان را

به ایثار و فداکاری تشویق می‌کرد (جمعی از نویسندگان، همان، ۱۳۳).

اعتماد متقابل: اعتماد متقابل رسول خدا(ص) و یارانش بسیار زیاد بود؛ برای نمونه آنچه موجب پذیرش صلح حدیبیه گشت، همین اعتماد مسلمانان به پیامبر(ص) بود. از نشانه‌های اعتماد رسول خدا(ص) نسبت به یارانش جنگ بدر است؛ زیرا در حالی آنان را به میدان جنگ برد که شمار دشمن سه برابر بود. دیگر جنگ احد است که شمار نیروهای دشمن پنج برابر نیروی اسلامی بود. امکان ندارد که فرماندهی با نیرویی برتر از نیروی خود درگیر شود؛ مگر اینکه نسبت به نیروهای خودی اعتمادی کامل داشته باشد (خطاب: ۳۶۷).

رعایت جنگ عادلانه: «اگر ملتی علیه ملتی دیگر دست ستم بگشاید و قصد خودداری از تجاوز هم نداشته باشد، جنگ علیه او عادلانه خوانده می‌شود.» از شرایط جنگ عادلانه اینهاست:

۱ - با اصول انسانی سازگار باشد.

۲ - هدف آن تحقق صلح دائمی باشد.

۳ - احترام به جان و مال بی‌گناهان در آن رعایت شود.

۴ - با اسیران و گروگانها خوشرفتاری شود.

این مفهومی است که مقررات جنگ و بیطرفی منشور بین‌الملل از جنگ عادلانه ارائه می‌کند.

بنابراین جنگ عادلانه، جنگی است دفاعی و نه تجاوزکارانه؛ رسیدن به صلح دائمی را دنبال می‌کند؛ اغراض آن انسانی است؛ به جان و مال بی‌گناهان احترام می‌نهد و با اسیران و گروگانها به نیکی رفتار می‌کند (خطاب، ۳۹۱).

۲ - ویژگیهای مدیریتی

شفاف‌سازی: سیره پیامبر خدا نیز چنین بود؛ چنانکه در صلح حدیبیه، عمر به حضرت دربارهٔ معاهده ایشان با قریش و غیر متساوی بودن یکی از بندها به سود کفار انتقاد کرد که به دنبال آن حضرت با منطق و استدلال او را قانع کردند (سبحانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۷).

در جنگ حنین آن گاه که پیامبر به تازه مسلمانانی که از رؤسای قریش به شمار

می‌رفتند، غنایم بیشتری داد و این امر اعتراض برخی را باعث شده بود، پیامبر مانع از تعرض برخی از اصحاب به معترضان شدند، اعتراض را به نحو احسن پاسخ گفتند و همه را قانع کردند (ابن هشام، ۱۳۵۵ق، ج ۳: ۳۵).

مشارکت (مشورت): پیامبر مردم را در کارهای سیاسی مشارکت می‌داد و از نظر و برنامه‌های آنان بخوبی بهره می‌برد. این مشارکتها میزان حمایت مردم را از راهبردها افزایش می‌داد و آنان خود را در تمامی مراحل سهیم می‌دانستند. پیامبر اکرم بحرانها را نیز با همفکری اصحاب مدیریت می‌کردند، از اصحاب نظر می‌خواستند و از توصیه‌ها و نظر آنان نیز استفاده می‌بردند؛ زمانی که پیامبر و اصحاب کنار چاه‌های بدر از آمدن لشکر مسلح قریش آگاه شدند، پیامبر در مورد مقابله یا عدم مقابله نظر آنان را جویا شد و بویژه نظر انصار را، که با ایشان تنها پیمان دفاعی بسته بود نیز جویا شد و آن گاه که نظر اکثریت را بر مقابله با قریش می‌یافت به نبرد تن داد (ابن هشام، همان، ج ۲: ۲۶۶).

اصل تألیف قلوب: گاهی اوقات، صرف دعوت، ابلاغ و روشنگری تأثیرگذار نیست و باید به شیوه‌ای دیگر، غیر مسلمانان و یا مسلمانان ضعیف‌الایمان را در وفای به دینشان نگه داشت. این شیوه، که حمایت اقتصادی نام دارد از نظر فقهی، «تألیف قلوب» است و در مکتب اسلام مسلمین و یا غیر مسلمانان توسط پیامبر(ص) و یا امام و یا فقیه و دولت اسلامی به منظور جلب آنان برای جهاد و مبارزه و گرایش به اسلام و دفاع از آن جلب آنان برای جهاد و مبارزه و گرایش به اسلام و دفاع از آن است (شکوری، ۱۳۶۱: ۳۸۵).

اصل احسان: احسان از جمله اصولی است که در جای جای سیره مدیریتی پیامبر(ص) قابل مشاهده است. ابن عباس از آن حضرت نقل می‌کند به فقیران از پیروان همه ادیان الهی صدقه بدهید. به آن کسی که در خور نیکی است و آن کسی که شایسته آن نیست، نیکی کن و در سخنی دیگر فرموده است: چرا که اگر نیکی تو به آن که شایسته آن بود رسید که به شایسته‌اش رسیده است و اگر به کسی رسید که در خور آن نیست، تو خود در خور شایسته‌کرداری هستی و در هر صورت زیان نکرده‌ای (کریمی، ۱۳۸۴: ۷۸).

فرمانهای صریح و روشن: ابلاغ دستورهای درست و روشن به دو عامل نیاز دارد: اول نیروی عقل و تدبیر، دوم اطلاعات درست از چگونگی میدان جنگ و وضعیت دشمن. در

قوت عقل و نیروی تدبیر پیامبر خدا(ص) کسی تردید ندارد و حضرت این موهبت خدایی را به حد کمال دارا بود. اطلاع از وضع دشمن نیز امری بود که از همان روزهای اوّل رویارویی با نیروهای قریش مورد توجه رسول خدا(ص) بود. آن حضرت پیوسته تلاش می‌کرد که آخرین اطلاعات از وضعیت نیروهای دشمن را در اختیار داشته باشد و در تمام نبردها قبل از هر کاری به کسب خبر و اطلاعات می‌پرداخت. وقتی گفت‌وگوی آن حضرت را در جنگ احد با تیراندازانی که حفاظت از جبهه پشت رزمندگان اسلام را به عهده داشتند، بررسی می‌کنیم به آسانی می‌فهمیم که آن حضرت چقدر به اهمیت نظامی آن نقطه آگاه بود؛ چقدر به رزمندگان تأکید کرد که محل مأموریت خود را ترک نکنند. گویا حضرت بروشنی می‌دید که آنان با مشاهده شکست اولیه دشمن، محل را ترک خواهند کرد. از این رو تأکید ورزید که حتی اگر دشمن را در حال شکست و فرار هم دیدید، سنگرها را ترک نکنید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰).

روانشناسی و شناخت استعدادها: تعدادی از نو مسلمانان مکه در جنگ حنین شرکت کردند. وقتی نوبت تقسیم غنیمت‌ها رسید، حضرت که می‌دانست آنان بیشتر به انگیزه کسب غنیمت به جنگ آمده‌اند، همه اموال را میان آنها تقسیم کرد. در مقابل، انصار نگران آن بودند که پیامبر(ص) در مکه بماند و به مدینه نرود. در همان مجلس چنین اعلام کرد شما خشنود باشید که اموال از آن مکیان باشد و پیامبر همراه شما باشد. با شنیدن این خبر شادی از انصار برخاست و غنیمت‌ها را بکلی از یاد بردند. روز جنگ احد شمشیری را به دست گرفت و پرسید چه کسی حق این شمشیر را ادا می‌کند. چند نفر از جنگجویان اعلام آمادگی کردند؛ ولی پیامبر(ص) شمشیر را به آنان نداد تا اینکه «ابودجانه» برخاست و گفت حقش چیست ای رسول خدا، فرمود اینکه آن قدر به دشمن بزنی تا کج شود و آن گاه شمشیر را به ابودجانه داد (ابن‌هشام، ۱۳۶۱، ج ۲: ۶۷).

دوراندیشی: رسول خدا(ص) بسیار دوراندیش بود و مسائل نظامی را با دیدگاه سیاسی، تحلیل و ارزیابی می‌کرد. ابتدا همه احتمالات را مورد بررسی قرار می‌داد و سپس تصمیم می‌گرفت. در جریان حدیبیه با اینکه بیشتر مسلمانان با قرار صلح مخالف بودند، حضرت، که آینده کار را روشن و موفقیت‌آمیز ارزیابی می‌کرد، آن را پذیرفت. تاریخ اسلام، درستی

نظر ایشان را تأیید کرد و معلوم شد که تصمیم حضرت پس از سنجیدن همه جنبه‌ها گرفته شده است. آن حضرت در فتح مکه چنان عمل کرد که هیچ‌گونه درگیری شدید و خشونت‌آمیز و گسترده‌ای پیش نیاید و چنین هم شد. پیامبر خدا(ص) هنگام اعزام سپاه در طول راه و در اردوگاه‌ها چنان با هوشیاری و دور اندیشی رفتار می‌کرد که حتی یک بار هم از سوی دشمن مورد تهاجم غافلگیرانه واقع نشد در حالی که پیوسته دشمن را غافلگیر می‌کرد و با حرکت‌های مانوری و نمایشی او را به اشتباه می‌انداخت.

شرکت در جنگ: رسول خدا(ص) در بیشتر جنگ‌ها شرکت کرد و فرماندهی جنگ‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز مثل بدر، احد، خندق، فتح مکه، حنین و تبوک بر عهده خود آن حضرت بود. حضور پیامبر(ص) در میدان جنگ مایه دلگرمی رزمندگان اسلام می‌شد بویژه اینکه حضرتش چونان دیگر جنگجویان در سختی‌های جنگ سهیم بود؛ با وجود این، شأن و مقام فرماندهی خویش را در هر موقعیتی حفظ می‌کرد؛ به منظور فرماندهی و پیشبرد کار جنگ، مکان ویژه‌ای را اختیار می‌کرد و به هدایت رزمندگان می‌پرداخت.

موقع‌شناسی: شتابزدگی در سیره نظامی پیامبر(ص) دیده نمی‌شد. ایشان هیچ کاری را جز در زمان مناسب انجام نمی‌داد و بسیار موقع‌شناس بود. وقتی خبر کشته‌شدن قاریان قرآن را در واقعه بئرمعونه شنید، بسیار متأثر شد؛ ولی چون زمان را مناسب ندید، گرفتن قصاص خون آنها را به بعد موکول کرد. در صلح حدیبیه بیشتر مسلمانان میل به جنگ داشتند، ولی آن حضرت با تمام مشکلاتی که به دنبال داشت به آن رضایت نداد. در همان شرایط و موقعیت از آنان بیعت گرفت که از فرمانش سرپیچی نکنند و از این کار در شرایط حساس جنگ «حنین» بهره گرفت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ۱۲۲).

پیامبر زمان عملیات نظامی را خوب می‌سنجید تا بر دشمن در حالی بتازد که آمادگی نداشته باشد. آن حضرت از فرصت‌های مناسبی که پیش می‌آمد، بیشترین بهره را می‌برد و زمان را بیهوده تلف نمی‌کرد؛ وقتی از پراکنده شدن دشمن مطمئن می‌شد بسرعت به مدینه بازمی‌گشت و به کارهای پیش‌بینی نشده اقدام نمی‌کرد.

حفظ یکپارچگی سپاه: سپاهیان اسلام با الهام از آموزه‌های وحدت آفرین اسلام از انسجام، هماهنگی و یکدلی ویژه‌ای برخوردار بودند. روابط آمیخته با دشمنی و نفرت‌آمیز روزگار

جاهلیت جایش را به برادری اسلامی داده بود. این امر کینه دشمنان و منافقان حسود را در پی داشت. آنها پیوسته به دنبال فتنه‌گری و طرح مسائل اختلاف‌انگیز بودند تا شاید بتوانند وحدت سپاه اسلام را از میان ببرند. از سوی دیگر، رسول خدا(ص) به عنوان پیشوایی الهی و فرماندهی نظامی به نقش یکپارچگی رزمندگان اسلام در سرنوشت جنگ، آگاهی کامل داشت. از این رو، پیوسته در حفظ یکپارچگی سپاه و جلوگیری از بروز حوادث تفرقه‌آمیز کوشش می‌کرد.

مورد بروز اختلاف میان رزمندگان اسلام در زمان پیامبر(ص) بسیار اندک است که خود نشانه فرماندهی خردمندانه و موفقیت‌آمیز آن حضرت است؛ شاید تنها مورد آن جنگ بنی مصطلق بود که سپاهیان اسلام در آستانه نزاع و درگیری قرار گرفتند. رسول خدا(ص) به جای اینکه طرفین دعوا را مورد بازخواست قرار دهد، فرمان حرکت سپاه را صادر کرد و در نتیجه نزاع بکلی پایان یافت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ۱۲۳).

تشویق سپاهیان کارآمد: رسول خدا(ص) به جنگجویان و فرماندهان شجاع و با رشادت احترام می‌گذاشت و آنها را تشویق می‌کرد. تشویق‌های آن حضرت همیشه معنوی بود و هرگز چهره مادیت نداشت. البته ایشان از چنان نفوذ معنوی در میان رزمندگان برخوردار بود که تشویق ایشان برای آنها بیشترین افتخار به شمار می‌آمد. تاریخ اسلام، موردی از اینکه پیامبر(ص) جز با قدردانی معنوی رزمنده‌ای را مورد توجه قرار داده باشد ثبت نکرده است و این بیشترین میزان موفقیت برای هر فرمانده نظامی است که سربازانش به پادشاهای معنوی او دلخوش باشند و برای رسیدن به کالای دنیوی و مادی نکوشند.

مسئولیت‌پذیری: رسول خدا(ص) در تحمل مسئولیت‌های سنگین نظامی و غیر نظامی، که واقعاً چهره تاریخ را دگرگون کرده است، تنها بود. برآستی کدام مسئولیت از بار سنگین رسالت، که تا هنگام پیوستن به لقاءالله بر دوش آن حضرت بود، بزرگتر و پراهمیت‌تر است. گرچه یاران آن حضرت همه‌جا کمک کارش بودند، مسئولیت اصلی برعهده خود وی بود (خطاب: ۳۶۴).

سازماندهی صحیح: سپاه اسلامی از مهاجران و انصار و مسلمانان دیگر قبایل معروف آن دوران تشکیل می‌شد؛ از این رو افتخار پیروزیها به یک قبیله اختصاص نداشت؛ همان

طور که شکست نیز موجب خفت یک قبیله تنها نمی‌گردید؛ چون سپاه ترکیب قبیله‌ای و یا عربی نداشت، بلکه سپاهی بود اسلامی و همه مسلمانان، عرب و غیر عرب در آن شرکت داشتند.

این سازماندهی که فقط در سایه اعتقاد واحد به وجود آمده بود، قبایل مخالف اسلام را وادار کرد تا آن مقاومتی را که در برابر دیگر قبایل نشان می‌دهند در برابر اینان نشان ندهند و این امر موجب سهولت مأموریت‌های جنگی مسلمانان گردید (خطاب: ۳۹۰).

سامانه اطلاعاتی پیامبر(ص)، یکی از مهمترین عوامل در مدیریت بحران

۱ - بررسی منطقه عملیات

منطقه استقرار مکانی بود که رسول خدا(ص) برای استقرار نیروها تعیین می‌فرمود. محل استقرار نیروهای اسلام در جنگ بدر در کناره نزدیکتر (وادی) و در جنگ احد در پیش کوه احد و رو به روی مدینه و در نبرد خندق نزدیک کوه سلع در شمال مدینه بود. دیگر از کارهایی که در منطقه استقرار انجام می‌شد، آمادگی نیروها در مواضع جنگی مناسب برای پیکار بود مانند استحکامات بسته و نفوذناپذیر و متناسبی که در جنگ خندق انتخاب کردند. در این عملیات تنها جهت شمالی نفوذپذیر بود که آن هم به دست رزمندگان اسلام با حفر خندق بسته شد.

در جنگ خیبر نیز موضع مناسبی اختیار شد و با همه شرایط صحیح استقرار مطابقت داشت. پیامبر خدا(ص) در گزینش این موضع فرماندهانش را نیز شرکت داد و شرایط زیر در نظر گرفته شد:

۱ - تأمین آزادی مانور و حرکت نیروهای خودی و جلوگیری از تحرکات و مانور دشمن

۲ - قرار گرفتن خورشید در پشت رزمندگان مانند نبرد بدر و دیگر نبردها

۳ - وجود تکیه‌گاهی در پشت سر رزمندگان مانند نبرد احد

۴ - انتخاب منطقه استقرار در نزدیکی آب و راه

۵ - دسترس بودن علوفه و چراگاه

۶ - بهداشت مناسب

۷ - سخت بودن زمین رزم به طوری که امکان مبارزه در آن وجود داشته باشد.

۸ - دوری از تیررس دشمن همانند غزوه‌های بنی نضیر و بنی قریظه و خیبر

۹ - جلوگیری از امداد رسانی به دشمن

۱۰ - بستن راه‌های رسیدن نیروهای کمکی دشمن

۱۱ - تأمین اختفا و استتار نیروی خودی

۱۲ - مشرف بودن بر نیروهای خودی

۱۳ - مراقبت و زیر نظر گرفتن تحرکات دشمن (وتر، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

پیامبر اکرم(ص) به منظور اشراف کامل و اداره جنگ، مقرر فرماندهی را در نقطه‌ای بلند قرار می‌داد. هم‌چنین نیروها را متناسب با مأموریت‌های رزمی به طور جداگانه - مانند سواران، پیاده‌ها، گروه‌های شناسایی، پیشقراولان، تیراندازان، عقبدار (مقرر فرماندهی عقب) و دیگران - در روی زمین گسترش می‌داد.

۲ - روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

۲ - ۱ - گشتی شناسایی: به دنبال نبرد اخذ، آن گاه که پیامبر اکرم(ص) آگاه شد که قریش احتمالاً قصد حمله دوباره به مدینه را دارند، حضرت علی(ع) را مأمور دیده‌بانی یا کمین اطلاعاتی در مورد شناسایی مسیر دشمن کرد و فرمود:

بین اگر اسبها را کنار گذارند و شترها را سوار شدند، قصد مکه دارند و اگر بر اسب سوارند و شترها به دنبالشان است دوباره به مدینه حمله خواهند کرد؛ اما کسی قبل از من از نتیجه این تحقیق آگاه نشود. امیر مؤمنان در پی کسب اطلاع از قصد قریش که آنان را راهی مکه دید، گزارش آن را به رسول خدا(ص) رساند (مجلسی، ج ۲۰: ۱۶۴).

۲ - ۲ - شناسایی از روی نقل و انتقالات و تحرکات دشمن: رسول خدا(ص) در جنگ احزاب از روی تحرکات دشمن نقشه آنان را کشف کرد. آن حضرت با پیش‌بینی منطقه تمرکز نیروهای دشمن در جایی که احتمال درگیری می‌رفت، خندقی حفر، و آنان را غافلگیر و نقشه آنان را خنثی کرد (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۹).

در جنگ بدر آن‌گاه که پیامبر اکرم(ص) از حرکت کاروان تجارتی آگاه شد،

طلحه بن عبدالله و سعید بن زید را برای کسب خبر به مسیر کاروان اعزام کرد. آنان نزد مرد بادیه‌نشین به نام «کشد جهنی» در هوری به نام «نخبار» به طور مخفیانه منزل گزیدند تا اینکه قافله گذشت. آنان برفراز بلندی، عده و عده و امکانات کاروان را برآورد کردند و با راهنمایی و همکاری مرد صحرائشین به سوی مدینه برگشتند. این در حالی بود که وقتی اهل کاروان ابوسفیان از مرد صحرائشین درباره مأموران اطلاعاتی پیامبر (ص) سؤال نمودند، او با تعجب به آنان گفت: «اعوذُ بِاللَّهِ وَ اَنْیَّ عُیُونُ مُحَمَّدٍ بِالْخَبَارِ؟» یعنی پناه بر خدا! مأموران امنیتی پیامبر کجا و نخبار کجا؟

این پاسخ مرد صحرائشین حکایت دارد که مأموران اطلاعاتی پیامبر (ص) چقدر زیبا و با دقت از امکانات اطلاعاتی مرد بادیه‌شین بهره بردند و چه زیبا او را نسبت به کار خود توجیه کردند (رضوان‌طلب، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

۲ - ۳ - بازجویی: در غزوه بدر دو نفر از نیروهای گشت و شناسایی قریش به دام لشکریان اسلام افتادند. حضرت رسول (ص) از آنان پرسید:

- تعداد لشکریان قریش چند نفر است؟
- زیادند.
- چقدرند؟
- نمی‌دانیم.

- در هر روز چند شتر نحر می‌کنند؟
- یک روز نه شتر و یک روز ده شتر.

- تعداد آنان بین نهصد و هزار نفر است. از اشراف قریش چه کسانی همراه لشکرند؟
- تعدادی از سران قریش نام برده شد

پیامبر اکرم (ص) به سپاهیان خود فرمود: «مکه جگر گوشه‌های خود را به سوی شما فرستاده است.» (رضوان‌طلب، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

۲ - ۴ - مصاحبه و زیرپاگشی: ابن اسحاق می‌نویسد: رسول خدا (ص) هنگام حرکت به سوی بدر رفت تا به پیرمرد عربی رسید و از او درباره محمد و قریش و اخباری که از دو گروه به وی رسیده است پرسید.

پیرومرد گفت تا خود را معرفی نکنید، خبر نمی‌دهم. رسول خدا(ص) فرمود «هر گاه خبر دادی، معرفی می‌کنیم.»

گفت «شنیده‌ام که قریش در فلان وقت از مکه بیرون آمده است. اگر کسی که این خبر را به من داده راست گفته باشد، امروز در فلان جا هستند و اشاره به مکان قریش کرد. هم‌چنین مطلع شده‌ام که محمد در فلان وقت از مدینه بیرون آمده است. اگر کسی که این خبر را به من داده، راستگو باشد، امروز در فلان مکان است و اشاره به موضع رسول خدا(ص) کرد. سپس گفت شما که هستید. رسول خدا(ص) فرمود «ما از آبیم» و آهنگ بازگشت فرمود. در این حال پیرومرد می‌گفت: ما از آبیم! از آب عراق یا از آب چنین یا آب چنان (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

۲ - ۵ - منابع و مخبران پنهان: قبل از جنگ احد حرکات نظامی دشمن توسط دستگاه اطلاعاتی حکومت اسلامی (عباس بن عبدالمطلب) در مکه کنترل و گزارش می‌شد. عباس پس از اطلاع از حرکت سپاه قریش، طی نامه‌ای تمام جزئیات سپاه دشمن را نوشت و نزد رسول خدا فرستاد. پیک عباس، مسافت پانصد کیلومتری را در سه روز پیمود و نامه را به رسول خدا که در مسجد قبا تشریف داشت، سپرد (الصلابی، ۱۳۸۴).

ابوتمیم سلمی وقتی دید قریش، خود را برای جنگ با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آماده، و به سوی مدینه حرکت کرده است، غلام خود را از «عرج»، پیاده روانه کرد تا خبر حرکت قریش، شمار افراد، تعداد اسبها و مقدار اسلحه و مهمات آنها را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گزارش کند.

در جنگ احد، عمرو بن سالم و عده‌ای دیگر از خزاعه، لشکر قریش را در «ذی طوی» مشاهده کردند که برای جنگ با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آماده شده‌اند. آنان بسرعت به سوی مدینه حرکت کردند و خبر را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رساندند و هنگام بازگشت در «بطن رابغ» با لشکر قریش برخورد کردند.

در جنگ خندق نیز گروهی از سواران خزاعه به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خبر دادند که قریش آهنگ مدینه کرده‌اند. این گروه فاصله میان مکه و مدینه را (که حدود ۴۵۰ کیلومتر است) چهار روزه طی کردند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

زنی که در سریه زیدبن حارثه برای تأدیب بنی‌سلیم به اسارت درآمده بود، چون اخبار دشمن را به مسلمانان گزارش می‌داد، رسول خدا (ص) او را آزاد ساخت (وتر، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

۲- ۶- دیده‌بان: کار مراقبت در سطح تاکتیکی به وسیله نگهبانان سپاه اسلام یا دیده‌بانهای مستقر در طول راه کاروانهای دشمن انجام می‌شد؛ چنانکه در جنگ بدر یکی از این دیده‌بانها در جایی به نام نخبار مستقر شد و حرکت دشمن را زیر نظر گرفت و نیز سریه زیدبن حارثه که برای مراقبت و پاسداری در نقطه‌ای به نام عیص مستقر گردید. دیده‌بانها برای حسن ادای وظیفه مراقبت در جاهای بلند مستقر می‌شدند.

دیده‌بانان همیشه در تقاطعی دور از دید دشمن پنهان می‌شدند و از قدرت شنوایی و بینایی خود استفاده می‌کردند و چنانچه دچار آسیب و زیان هم می‌شدند از اجرای مأموریت باز نمی‌ایستادند؛ برای مثال، دیده‌بانی به نام اُنیس بن ابومرثدغنوی در جنگ حنین با وجود تحمل دشواریهای بسیار ثبات ورزید. در سریه غالب بن عبدالله‌لیثی نیز دیده‌بان با اینکه تیر خورد و مجروح شد، در کار خود ثبات ورزید (وتر، ۱۳۸۶: ۹۳).

۲- ۷- عملیات نفوذ: رسول خدا(ص) از شیوه استراق سمع در شب و حالتهای سردرگمی و اوضاع بد جوی استفاده می‌فرمود؛ به این ترتیب که عنصر استراق سمع‌کننده در نهایت پنهانکاری نزد دشمن می‌رفت و پس از شنیدن سخنانشان باز می‌گشت و شنیده‌هایش را گزارش می‌کرد؛ مانند شنود یکی از سپاهیان اسلام از بنی‌ملوح و حذیفه بن یمان علیه ابوسفیان، فرمانده سپاه احزاب (وتر، ۱۳۸۶: ۱۳۹۳).

باید توجه کرد که شنود، نیازمند عناصری لایق و شجاع و برخوردار از سلامت جسمانی است؛ زیرا برخی از بیماریها مثل ابتلای به سرفه یا کری موجب به تعویق افتادن مأموریت می‌شود.

رسول خدا(ص) آگاه شد که هوازن و ثقیف به فرماندهی مالک بن عوف برای جنگ با او گرد آمده‌اند؛ پس نیروی اطلاعاتی خود یعنی عبدالله بن ابی حذر داسلمی را به سوی آنان فرستاد و فرمان داد که میان آنها برود و سخنانشان را بشنود و اخبارشان را کشف کند. عبدالله رفت و مدت دو روز میان مردم ماند؛ سپس نزد رسول خدا(ص) بازگشت و

اخبارشان را این گونه گزارش کرد: «ای رسول خدا(ص) من از نزد شما رفتم تا بر کوه فلان (و کوهی را نام برد) میان هوازن بالا رفتم و دیدم که همگی با تمام قوا همراه گله‌های گاو و گوسفند و جوانانشان در حنین گرد آمده‌اند.» پس رسول خدا(ص) با تبسم فرمود: «ان شاء الله فردا همه اینها غنیمت مسلمانان خواهد شد.»

او هم چنین گزارش کرد که از مواضع قوم یکی پس از دیگری دیدن کرده تا به خیمه مالک بن عوف رسیده است و او را دیده است که در میان جمعی آخرین تصمیماتش درباره نقشه جنگ را بیان می‌کند و می‌گوید محمد پیش از این هرگز با قومی چون ما نجنگیده است. او تا کنون با کسانی که از جنگ چیزی نمی‌دانند، روبه‌رو شده و بر آنها پیروز گردیده است. سحرگاه که فرا رسید، چارپایان، زنان و کودکان را بگذارید و حمله را آغاز کنید؛ غلاف شمشیرهایتان را بشکنید و با بیست هزار شمشیر با او روبه‌رو شوید؛ مانند یک مرد واحد حمله کنید و بدانید که آغاز کننده حمله برنده جنگ است.

به این ترتیب رسول خدا(ص) توانست به وسیله نیروی اطلاعاتی خود به نیات دشمن پی ببرد و سخنان فرماندهشان را بشنود و از نقشه جنگی آنها آگاه گردد (وتر، ۱۳۸۶: ۱۶۸).
۲ - ۸ - گشتی شناسایی رزمی: این شناسایی در مواقع اضطراری از طریق گشتیهای شناسایی رزمی به انجام می‌رسید؛ مانند آنچه در غزوه‌های بدر، دومه الجندل، بنی مصطلق، فتح مکه و سریه‌های عکاشه بن محسن به سوی بنی اسد و زیدین حارثه و غیره صورت پذیرفت. از دیگر عوامل این نوع شناسایی گروه‌های فعال در پشت خطوط دشمن هستند؛ مانند فعالیت‌های شناسایی جنگ احد. فرمانده زمانی به این نوع شناسایی متوسل می‌شود که درباره دشمن اخبار کافی در دسترس نداشته باشد. از اسیران نیز به همین منظور بازجویی و اطلاعات مورد نیاز کسب می‌شود (وتر، ۱۳۸۶).

۲ - ۹ - جمع‌آوری رسمی: نقیب و عریف دو واژه رایج و متداولی است که در بسیاری از موارد به معنی واحد و ترجمان افراد آگاه و رابط اطلاعاتی قبیله به کار رفته است. در لغت، نقیب مانند کفیل به کسی گفته می‌شود که به سوی اسرار نقب می‌زند و قرارهای باطنی را بیرون می‌کشد و در آیه شریفه «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا» (مائده/۱۲) مراد طلایع و پیشروانی است که اخبار را جست و جو می‌کنند.

در روایتی چنین می‌خوانیم: پیامبر اکرم(ص) به یاران خود دستور داد که دوازده نفر نقیب از بین خودتان به من معرفی کنید که اخبار قبیله خودشان را به من گزارش کنند و حضرت به آنان فرمود شما کفیل غیر خودتان هستید؛ همان‌گونه که حواریون کفیل عیسی بن مریم بودند.

راغب اصفهانی نیز «نقیب» را به معنی جست‌وجو کننده از مسائل قبیله و احوال آنان آورده است.

از آنجا که واژه عریف کاربرد زیادی دارد، معانی مختلفی نیز برای آن ذکر شده است که از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱ - کسی که کارهای مردم را شناسایی می‌کند تا گزارش آن را به ما فوق خود در مواقع نیاز برساند.

۲ - کسی که یاران خود را خوب می‌شناسد.

۳ - سرپرست قوم، که از این جهت شناخته شده و مشهور شده است.

۴ - قیم و سید؛ زیرا او به سیاست و امور قوم آشنا است.

۵ - سرپرست امور قبیله یا گروهی از مردم که به کارهای آنها رسیدگی می‌کند و حاکم به وسیله او از احوال ایشان با خبر می‌شود.

با جست‌وجوی پراکنده‌ای در احوال و تاریخ عریفان به این نتیجه می‌رسیم که روابط حکومت و مردم از طریق آنان تنظیم می‌شد و مسائلی همچون تنبیه خطاکاران، توثیق یا عدم توثیق افراد، رسیدگی به مشکلات مردم و آشنایی با افراد قبیله به وسیله آنان انجام می‌گرفته است و در یک کلمه نماینده مردم نزد حکومت و نماینده حکومت در میان مردم بوده‌اند (رضوان‌طلب، ۱۳۸۶: ۵۸).

۳ - حفاظت اطلاعات

پیامبر خدا(ص) فعال بودن و پرتحرک بودن را نه تنها برای دستیابی به اطلاعات، بلکه برای خنثی‌سازی فعالیت‌های شناسایی دشمن نیز لازم می‌شمرد. فعالیت‌های ذیل در راستای تحقق این هدف انجام می‌شد:

الف. عملیات فریبنده در اثنای نبرد، مثل ذی‌امر (غطفان) هنگام پیمودن راه انحرافی

مدینه، منقی، خیبت، ذی قصه، کثیب، ذی امر و هم‌چنین در غزوه ذی العشیره.

ب. حرکت شبانه؛ چنانکه در غزوه دومه الجندل شبانه حرکت، و به نیروهای اعزامی توصیه کرد که با استفاده از تاریکی شب حرکت کنند؛ مثل سریه محمد بن مسلمه برای تنبیه بنی‌بکر و زید بن حارثه برای تنبیه قبیله جذام و عبدالرحمن بن عوف به دومه الجندل.

ج. حرکت سریع، مثل غزوه دومه الجندل.

د. استفاده از مسیرهای میانبر برای رسیدن به دشمن، مثل غزوه بنی‌لحیان. این اصل به وسیله فرماندهان اعزامی نیز اجرا شد؛ مثل سریه عکاشه بن محسن برای تنبیه بنی‌اسد و قطبه بن عامر به سوی خثعم.

هـ. جلوگیری از سر و صدا، مثل باز کردن زنگ از گردن شتران و حرکت پنهانی نیروهای اسلام در غزوه موته و فتح (وتر، ۱۳۸۶: ۹۰).

رسول خدا(ص) بر اهمیت حفظ اسرار بخوبی آگاه بود و آن را در بیشتر جنگها حتی از نزدیکترین افرادش پنهان می‌کرد و در هیچ جنگی، جز تبوک، مقصدش را برای کسی روشن نساخت که آن هم به مقتضای مشقت و سنگینی کار و دور بودن تبوک از مدینه بود (احمدی میانجی، ۱۳۸۱: ۱۶۴).

۴ - فریب اطلاعاتی

نعمین مسعود غطفانی نزد رسول خدا(ص) آمد و اظهار کرد که او اسلام آورده است؛ ولی خویشاوندانش از این قضیه بی‌اطلاعند. آن حضرت فرمود «همانا تو یک مرد بیش نیستی هر تعداد از ایشان را که می‌توانی از جنگ با ما باز دار و بدان که جنگ خدعه است!». رسول خدا(ص) که از سوی بنی‌قریظه برای زنان و کودکان بیمناک بود، سلمه بن اسلم را با صد مرد و زید بن حارثه را با سیصد رزمنده فرستاد تا از مدینه پاسداری کنند و با صدای بلند تکبیر بگویند (خطاب، همان، ۲۰۹).

نعمین رفت تا به بنی‌قریظه رسید. او که در روزگار جاهلیت با آنان دوست و همنشین بود گفت «از دوستی من نسبت به خودتان آگاهید. شما در جنگ با محمد از قریش و غطفان پشتیبانی کرده‌اید در حالی که می‌دانید وضعیت شما با آنها تفاوت می‌کند؛ مدینه شهر شماسست، اموال و زن و فرزند شما در این شهر هستند و شما توان انتقال آنها را

ندارید. اما قریش و غطفان، اگر فرصتی پیدا کنند و یا به غنیمتی برسند و حتی بدون آن هم به سرزمین خود خواهند رفت و شما را با محمد تنها خواهند گذاشت و شما یارای مقاومت در برابر او را ندارید. پس در جنگ آنان را همراهی نکنید مگر اینکه تا هنگام یکسره شدن کار محمد، شماری از اشرافشان را به گروگان بگیرید. بنی‌قریظه گفتند: «نصیحتی خیرخواهانه کردی و در نظر ما متهم نیستی (ما به صداقت و دلسوزی تو مطمئنیم)».

آنگاه نعیم نزد قریش رفت و گفت «شنیده‌ام که بنی‌قریظه پشیمان گشته‌اند و به محمد پیغام داده‌اند که اگر مردانی از اشراف قریش و غطفان را بگیریم و تحویل دهیم که گردن بزنی و سپس در جنگ علیه باقیمانده‌شان همراه شما باشیم آیا از ما راضی می‌شوی و محمد(ص) پاسخ مثبت داده است. پس اگر بنی‌قریظه از شما گروگان خواستند حتی یک نفر را هم به آنان تسلیم نکنید!»

پس از آن نعیم نزد غطفان رفت و گفت «شما خاندان و خویشاوندان من هستید». آن گاه آنچه را به قریش گفته بود به آنان نیز گفت و هشدارشان داد.

ابوسفیان و سران غطفان، عکرمه بن ابوجهل و چند تن از قریش و غطفان را شب شنبه نزد بنی‌قریظه فرستادند و از آنان خواستند که برای جنگ در روز شنبه آماده شوند (خطاب، همان، ۲۱۰)؛ اما بنی‌قریظه عذر آوردند که در روز شنبه جنگ نمی‌کنند و سپس از قریش و غطفان پیش از هر تهاجمی گروگان خواستند.

قریش و غطفان گفتند هرآینه نعیم راست گفت!

هنگامی که درخواست بنی‌قریظه مبنی بر دادن گروگان از سوی قریش و غطفان رد شد، یهودیان نیز گفتند حقا که نعیم راست گفت!

به این ترتیب میان احزاب تفرقه افتاد و اعتمادشان نسبت به یکدیگر سلب شد. عملیات فریب یا منحرف کردن مسیر شناسایی دشمن یکی دیگر از تدابیری است که برای مصونیت اطلاعات از دسترسی نااهلان انجام می‌گیرد. این شیوه نه تنها موجب حفظ آگاهیها می‌شود، بلکه دشمن را به انحراف می‌کشاند.

پیامبر اکرم(ص) هنگام حرکت به سوی هدف نظامی، اصل هدف را پنهان می‌کرد و به

طور معمول ابتدا یک راه انحرافی را در پیش می‌گرفت و از مسیر فرعی استفاده می‌کرد و سپس به سوی هدف اصلی، مسیر را ادامه می‌داد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

۵ - ارتباطات پنهان

به کارگیری زبان رمز

رسول خدا(ص) به شیوه "زبان رمز" عنایت داشت و واقعه زیر نشاندهنده کامل این تفکر است. آن حضرت در جنگ خندق آگاه شد که بنی قریظه پیمان میان خود و مسلمانان را شکسته‌اند.

این واقعه پس از محاصره مدینه به وسیله ده هزار پیکارگر قریش و دیگر قبایل عربی بود. پس از پیمان‌شکنی یهودیان، کار نیروی سه هزار نفری مسلمانان بسیار سخت شد؛ چون داخل مدینه بودند و از داخل و خارج شهر در معرض تهدید قرار گرفتند.

رسول خدا(ص) سعدبن معاذ و سعدبن عباد و عبدالله بن رواحه و خوات‌بن جبیر را نزد بنی قریظه فرستاد تا به حقیقت امر پی ببرند و به آنها فرمان داد، هنگام بازگشت به گونه‌ای سخن بگویند که نشاندهنده خبر نقض پیمان بنی قریظه نباشد. سبب تمایل پیامبر(ص) به استفاده از شیوه شناسه، ترس از تضعیف روحیه مسلمانان بود (احمدی میانجی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

۶ - بررسی اطلاعاتی

پیامبر خدا(ص) اخبار دریافتی را مورد ارزیابی، دقت و تجزیه و تحلیل علمی قرار می‌داد و مطابقت آنها را با واقعیات میدان نبرد آینده بررسی می‌فرمود؛ مثل تحلیل آن حضرت از شناساییهای مربوط به جنگهای بدر، احد، احزاب - هنگام نقض عهد بنی قریظه - و فتح مکه. در مورد اخیر آن حضرت پس از تحلیل اخبار دریافتی از همه امور مربوط به دشمن بویژه سلاحهایی که از جرش تقاضا کرده بود، آگاه گردید (وتر، ۱۳۸۶: ۹۸).

الف - شبکه‌های هم عرض: واقدی می‌گوید: **رُویَ انَّ رَسُولَ اللّٰهِ بَعَثَ سَعْدَ بْنَ اَبی وَقَّاصٍ فِی اَثَارِ الْقَوْمِ یَوْمَ اَحَدٍ لِّیَسْتَطِیْعَ اَخْبَارَهُمْ وَ اَنَّهُ قَالَ لَهُ: اِنْ رَأَيْتَ الْقَوْمَ یُریدُونَ الْمَدِیْنَةَ فَاخْبِرْنِی فِیْمَا بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ** (ص) [در یک عملیات گشت اطلاعاتی] سعدبن-

ابی‌وقاص را برای کسب خبر به دنبال قریش فرستاد و به او فرمود اگر دیدی آنان قصد (حمله به) مدینه را دارند، شخصاً به خود من خبر بده.

در روایت دیگری آمده است که در همین روز پیامبر اکرم (ص) حباب بن منذر را مأمور جمع‌آوری اطلاعات درباره قریش کرد. او نیز به میان آنان رفت و اطلاعات لازم را گرفت و بازگشت. پیامبر اکرم (ص) به او فرمود: هَكَذَا جَاءَ فِي خَبَرِهِمْ، لَا تَذْكُرُ مِنْ شَأْنِهِمْ حَرْفًا؛ قبلاً نیز همین‌گونه برای من گزارش شده بود در مورد اخبارشان چیزی نگو.

در جای دیگر در همین ارتباط چنین می‌خوانیم: رُؤِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لِعَلِيٍّ (ع) حِينَ بَعَثَهُ فِي آثَارِ الْقَوْمِ يَوْمَ اخْتِدِ يَسْتَطْلِعُ أَخْبَارَهُمْ... أَيُّ ذَلِكَ كَانَ فَأَخْبِرْهُ حَتَّى تَأْتِنِي... آن‌گاه که پیامبر اکرم (ص) در روز جنگ اخذ حضرت علی (ع) را در تعقیب دشمن برای کسب خبری فرستاد به ایشان سفارش کرد... نتیجه هر چه بود، آن را پنهان دار تا به من برسانی. در تاریخ چنین می‌خوانیم: هر وقت پیامبر اکرم (ص) یکی از مهاجران را به مأموریتی اعزام می‌کرد [به منظور رعایت اطمینان بیشتر] یکی از انصار را نیز همراه او می‌فرستاد (احمدی میانجی، ۱۳۸۱: ۷۷).

ب - ارزیابی وضعیت جنگی: برآورد موقعیت جنگی به توانایی رهبر و ارکان نظامی، اقتصادی و سیاسی او متکی است. ارزیابی تاکتیکی شامل دشمن، زمین، آب و هوا و اوضاع و... می‌شود در حالی که در سطح راهبردی، مواردی فراگیرتر و عمومی‌تر را در برمی‌گیرد.

رسول خدا (ص) به ارزیابی وضعیت جنگی در همه سطوح همت گماشت؛ اخبار دشمن را به طور پیوسته دریافت می‌کرد و اطلاعات جدیدی درباره دشمن، نیروهای خودی و زمین به دست می‌آورد و به همه مواضع نظامی و سیاسی و... دشمن آگاهی کامل داشت و تصمیمی نمی‌گرفت مگر اینکه منابع خبری گوناگون، درستی آن را تأیید می‌کردند (ارزیابی خبر) (وتر، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

۷ - ضد جاسوسی

پیامبر خدا (ص) جاسوسان و عناصر اطلاعاتی دشمن را دستگیر و از انتقال اخبار جلوگیری می‌کرد؛ از جمله در غزوه‌های بدر، دومه الجندل، بنی‌مصطلق. در غزوه فتح

جاسوسان هوازن را پیش از ورود به مکه و در غزوه خیبر، جاسوسی از قبیله اشجع را که به نفع دشمن خبر تهیه می‌کرد، دستگیر کرد (وتر، ۱۳۸۶: ۹۱).

دشمنان اسلام به شناخت اخبار مسلمانان توجه کامل داشتند. از این رو نیروهای اطلاعاتی خود را برای کشف اخبار آنها می‌فرستادند. سلمه اکوع گفته است یکی از جاسوسان مشرکان در یکی از سفرهای رسول خدا نزد چند تن از اصحاب حضرتش آمد و به گفتگو نشست و سپس از آنها جدا شد. آن گاه رسول خدا(ص) فرمود او را بیابید و بکشید. من برای رسیدن به او از دیگران پیشی جسته او را کشتم و رسول خدا غنایم او را به من داد (الصلابی، ۱۳۸۴: ۴۴).

رسول خدا(ص) نیروهای ضد اطلاعاتی داشت که نیات منافقان و افرادی را که اسباب نومیدی جامعه را فراهم می‌ساختند به وی گزارش می‌دادند؛ از جمله آنها زید بن ارقم بود. وی در جنگ بنی‌مصطلق رسول خدا(ص) را از نیات ابن‌سکول زمانی که منافقان فتنه انگیزی را افزایش دادند با خبر ساخت (احمدی میانجی، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

۸ - عملیات اطلاعاتی

از پا در آوردن ابو رافع سلّام بن ابی‌الحقّیق یهودی که همراه حُئی بنِ اخطب، احزاب را علیه مسلمانان تحریک کرد و سپس برای رهایی از قصاص عادلانه به یهودیان خیبر پناهنده شد (خطاب، همان، ۲۱۹).

پس از سرکوب بنی‌قریظه، یک دسته پنج نفری از خزرج به فرماندهی عبدالله بن عتیک عازم خیبر گردید. مأموریت این گروه کشتن ابورافع سلام بن ابی‌الحقّیق و ایجاد رعب و وحشت در دیگر یهودیان بود تا نقشی که دیگر یهودیان بازی کردند از سوی آنان تکرار نشود.

مسلمانان شب هنگام به خیبر رسیدند. عبدالله به یارانش فرمان داد، نزدیک دژ توقف کنند تا موضع ابورافع را شناسایی کند. وی پس از رسیدن به دژ موفق شد که خود را در اصطبل حیوانات پنهان سازد.

هنگامی که ابورافع به رختخواب رفت و آرامش بر همه جا حکمفرما شد، عبدالله بیرون آمد و کلیدهای دژ را برداشت و به اتاق او رفت. از آنجا که اتاق بسیار تاریک بود، عبدالله

نخست او را صدا زد تا جایش را شناسایی کند. سپس با شمشیر حمله کرد و او را از پای در آورد و در حالی که بر اثر افتادن از پله‌ها پای او شکسته بود، نزد یارانش برگشت. مسلمانان در حالی که دشمن سرسخت را از سر راه خود برداشته بودند به مدینه بازگشتند و سرنوشت کسانی را که مردم را علیه مسلمانان بسیج کنند به گوش مردم رساندند. این امر موجب افزایش هیبت مسلمانان و تسلط کامل آنان بر مدینه گشت و از آن پس صدایی از یهود و منافقان بلند نشد (خطاب، همان: ۲۲۰).

نتیجه‌گیری

قدرت و بصیرت کامل پیامبر(ص) نیاز به شخصیت منحصر به فرد دارد که به بخشی از ویژگیهای آن اشاره می‌شود:

توجه به کرامت انسانی، دلیری در مقابل بیم، وفای به پیمانها، حضور پیامبر در کارهای عمومی، رعایت حقوق مردم، جنگ اعتقادی، عدالت اجتماعی، استقامت، ساده‌زیستی، سعه‌صدر، رحمت و مهربانی، توان نیرومند، شخصیت و نفوذ، آرامش، محبت متقابل، رضایتمندی، مساوات با رزمندگان، اعتماد متقابل، رعایت جنگ عادلانه، شفاف‌سازی، تألیف قلوب، احسان، فرمانهای صریح و روشن، دوراندیشی، موقع‌شناسی، مسئولیت‌پذیری، سازماندهی صحیح. همه این اقدامات در رویارویی با بحران (قبل، هنگام و بعد) نیاز به اشراف اطلاعاتی دارد که پیامبر به عالی‌ترین وجه از سامانه اطلاعاتی قوی برخوردار بود. این سامانه اطلاعاتی شامل بخشهای ذیل است:

۱ - بررسی منطقه عملیات شامل تأمین آزادی مانور و حرکت نیروهای خودی و جلوگیری از تحرکات و مانور دشمن، قرار گرفتن خورشید در پشت رزمندگان، وجود تکیه‌گاهی در پشت سر رزمندگان، انتخاب منطقه استقرار در نزدیکی آب و راه، دسترس بودن علوفه و چراگاه، بهداشت مناسب، سخت بودن زمین رزم به طوری که امکان مبارزه روی آن باشد، دوری از تیررس دشمن، جلوگیری از امدادسانی به دشمن، بستن راه‌های رسیدن نیروهای کمکی دشمن، تأمین اختفا و استتار نیروی خودی، مشرف بودن بر نیروهای خودی، مراقبت و زیر نظر گرفتن تحرکات دشمن، وضعیت جو نیرو، صلاحیت زمین برای استقرار [نیرو] هنگام نبرد ۲ - سازماندهی تحرک و سلاح دشمن ۳ - مهمات و

تجهیزات ۴ - سطح آموزشی و روحیه نیروهای خودی ۵ - روشهای جمع‌آوری شامل گشتی شناسایی از روی نقل و انتقالات و تحرکات دشمن، بازجویی، مصاحبه و زیرپاکشی، منابع و مخبران پنهان، دیده‌بان، عملیات نفوذ، گشتی شناسایی رزمی، جمع‌آوری رسمی ۶ - حفاظت اطلاعات (پنهانکاری) ۷ - فریب اطلاعاتی ۸ - ارتباطات پنهان ۹ - بررسی اطلاعاتی ۱۰ - ضد جاسوسی ۱۲ - عملیات اطلاعاتی

همان گونه که در الگوهای تصمیم‌گیری مدیریت بحران توضیح داده شد، پیامبر از الگوی تصمیم‌گیری تشخیص محور در وضعیت بحرانی (شدت تهدید زیاد، غافلگیری، فشار زمانی فراوان) استفاده می‌کرد. این الگو به ذهن خلاق، قدرت تجزیه تحلیل فکری، واکنش بموقع، قدرت تشخیص زیاد، درک و شناخت وضعیت‌های متصور، درک روابط در وضعیت‌های مختلف و استنتاج وضعیت‌های مشابه و یا جدید نیاز دارد که به طور کلی آن را قدرت بصیرت می‌نامند که برای مثال می‌توان تدبیر پیامبر برای خروج از محاصره احد، تدبیر پیامبر برای مقابله با کمین دشمن در دره حنین و تدبیر پیامبر برای استقامت و تحمل سختی‌های غزوه احزاب اشاره کرد.

تصمیم‌گیری در حالت بحرانی با وضعیت عادی متفاوت است؛ چنانکه در حالت عادی فراگرد مدیریت و تصمیم‌گیری دارای نظم و توالی خاصی است در صورتی که در حالت بحرانی محوریت بر اجرای راه حل است و تمام مراحل تصمیم‌گیری اعم از شناخت مسئله، شناسایی راه حل، انتخاب و ارزیابی آن با توجه به الگوی تصمیم‌گیری تشخیص محور همزمان بدون توالی خاصی صورت می‌گیرد. این نوع تصمیم‌گیری به ویژگیها و توانمندیهای فردی مدیر بحران بستگی دارد. با توجه به ویژگیهای شخصیتی حضرت رسول(ص) می‌توان گفت ایشان در بالاترین سطح در این نوع تصمیم‌گیری قرار داشتند. نکته قابل توجه در مدیریت بحران پیامبر(ص) این است که توکل به خدا و امداد غیبی خداوند متعال محسوس است که در مدیریتهای غیر اسلامی این موضوع دیده نمی‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن هشام (۱۳۶۱). سیرت رسول الله. ج ۴. ترجمه رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، قاضی ابرقوه. با تصحیح اصغر مهدوی. تهران: خوارزمی.
۳. الاحمدی، علی (بی‌تا). مکاتیب الرسول ج ۱. بیروت: دارالمهاجر.
۴. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۱). اطلاعات و تحقیقات در اسلام. تهران: نشر دادگستر.
۵. باقری، مصباح‌الهدی (۱۳۸۷). جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم. مجله اندیشه صادق. ش ۳ و ۴.
۶. پورعزت، علی‌اصغر؛ قلی‌پور، آرین (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی مدیریت بحران کاربرد نظام برنامه‌ریزی سلولی چند لایه در رسانه ملی برای مدیریت بحران در نظام‌های اجتماعی. پژوهش‌های ارتباطی.
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۶). ارزیابی جنگ‌های پیامبر (ص). تهران: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰). اطلاعات رزمی در جنگ‌های صدر اسلام. تهران: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران.
۹. حسینی، حسین (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری در بحران؛ گذر از رویکردهای تحلیل به رویکرد طبیعی. فصلنامه مدیریت بحران. س ۱. ش ۲.
۱۰. حسینی، حسین؛ جدی، سیدمجید (۱۳۸۵). مدیریت بحران با رویکرد امنیتی (۱). تهران: معاونت آموزش ناجا.
۱۱. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۵). بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود. فصلنامه امنیت. س پنجم. ش ۱ و ۲.
۱۲. رضوان‌طلب، محمدرضا (۱۳۸۶). اطلاعات در اسلام. قم: زمزم هدایت.
۱۳. سبجانی، جعفر (۱۳۷۶). فروغ ابدیت. ج ۱. ج ۱۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۴. شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱). فقه سیاسی اسلام. ج ۲. قم: آریز.
۱۵. کرمی‌فریدن، علی (۱۳۸۴). نهج الفصاحه. پرتوی از پیام پیامبر (ص). قم: انتشارات حلم.
۱۶. الصلابی، علی محمد (۱۳۸۴). الگوی هدایت تحلیل وقایع زندگی پیامبر اکرم (ص). ترجمه هیت علمی انتشارات حرمین. عبدالله ریگی احمدی.

۱۷. طباره، غفیف عبدالفتاح (۱۹۹۹). روح‌الدین الاسلامی. لبنان: دارالکتب.
۱۸. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰). حقوق اقلیت‌ها بر اساس قانون قرار داد ذمه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). سیاست نبوی. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶). بحار الانوار. ج ۱۶. تهران: دارالکتب السلامیه.
۲۲. منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۴). تاریخ اسلام (تا سال چهلم هجری).
۲۳. وتر، ظاهر (۱۳۸۶). آیین نبرد در عصر پیامبر(ص). ترجمه عبدالحسین بی‌ش. قم: زمزم هدایت.